گفت وگو
با تهمینه میلانی
نویسنده و کارگردان
فیلم زن زیادی

بخش دوم

شعار در جامعه ما بسیار است

روز گذشته بخش نخست ما را با میلانی خواندید که بیشتر به شیوه کار و نگاه این فیلمساز می پرداخت. امروز با او درباره فیلم سخن گفته ایم و سعی کردیم بیشتر به جزئیات بپردازیم.
گروه فرهنگ و هنر

آیا تا به حال موردی پیش آمده است که حرفهایی را سر جای خودش به ایجاب قصه نگفته اید، در سکانس دیگر با آب و تاب بیان کنید؟

بله سکانس آخر فیلم زن زیادی همینطور است. من اگر پیشاپیش و در جای خود اطلاعات دقیقی از انگیزه قتل رحیم و یا دلایل خیانت احمد ونوع زندگی صبا را به تماشاچی می دادم، نمی توانستم او را چندبار در موقعیت قضاوت نادرست قرار دهم تا در سکانس پایانی تماشاچی متوجه شود که او بر روی بخشی از حقیقت چندبار قضاوت خود را تغییر داده است.

اجتماع در فیلمهای شما در خانواده خلاصه شده است و اجتماع بیرون از خانواده بر روی آن اثر می گذارد. اما ما این اجتماع را نمی بینیم. شما هم فرصت ندارید در یک فیلم صد دقیقه ای همه جامعه را نشان دهید. بخشی از نتیجه گیریها را به باور عمومی و ذهن جمعی تماشاگر وامی گذارید. حالا اگر در مثلث فیلم، فیلمساز و تماشاگر باور عمومی شما از یک حادثه در جامعه با باور عمومی تماشاگر همخوان نبود، چه اتفاقی رخ می دهد؟ آیا همه چیز از هم نمی پاشد؟

من مسؤول افکار خودم هستم و کلیه وقایع را از فیلتر آگاهی و دانش وجهان بینی خودم عبور می دهم و نظرم را به جامعه در مورد ناهنجاریهای امروز جامعه به زبان سینما می گویم. طبعاً پاره ای با آن موافق هستند و پاره ای مقابل آن جبهه خواهند داشت. وظیفه من این نیست که به باور عمومی نزدیک شوم، بلکه من خودم از موظف می دانم تا با زبانی که تماشاچی را زیاد خشمگین نکند عقاید واقعی خودم را به جامعه بگویم. وقتی آقای دکتر خاتمی بحث گفت وگوی تمدنها را مطرح کرد، من نامه ای به دفتر ایشان فرستادم و پیشنهاد دادم برای رسیدن به گفت وگوی تمدنها ابتدا ایشان گفت وگو در خانواده را مطرح کنند. طبعاً اگر دیالوگ در خانواده آغاز شود، در سطح بالاتر جامعه معنی دارد، در غیر این صورت چطور می توان از دیالوگ در جامعه صحبت کرد!

شما اشاره کردید که به قواعد درام پایبند هستید. یعنی از اصول اولیه درام حسن تناسب است. یک شخصیت با اعمال وگفتار خود و در نسبت با دیگر شخصیت ها باید تناسب داشته باشد. سیما و احمد این تناسب را ندارند. شاید در واقعیت ازدواجی همانند ازدواج سیما و احمد رخ دهد اما در قصه علتهای بسیاری لازم است تاما به این معلول برسیم. این مساله در ابتدا بنیان ارتباطات فیلم را متزلزل می کند.

این عدم تناسب عین واقعیت است و از واقعیت به فیلم من راه یافته است. حقیقتاً چندرصد از ازدواجهای امروز جامعه ما از روی منطق و تناسب شکل می گیرد؟ چقدر فاکتور زیبایی، پول، موقعیت اجتماعی باعث جذب طرف مقابل شده ونه شعور اجتماعی وانسانی او؟

از نظر من بیش از ۹۰ درصد از ازدواجهای درون جامعه ما براساس معیارهای نادرستی شکل گرفته است که بسیار هم زندگی ایشان دراماتیک است. عدم تناسبی که زیر آسمان شهرهای ما وجود دارد غیرقابل انکار است و متأسفانه موجب ناهنجاریهای بسیاری می شود.

این عدم تناسب در عالم درام مشکل به وجود نمی آورد؟

نه اتفاقاً بسیار هم دراماتیک وجذاب است. اگر در شخصیت های فیلم من دقت کنید، بویژه مردانی که رفتار ایشان مورد نقد قرار می گیرد هرگز به شخصیت های گل درشت برخورد نمی کنید. مردهای فیلم من انسانهایی معمولی اند با رفتارهای انسانهای دیگر و چه بسا بسیار بهتر از بسیاری از مردان جامعه. هتاک نیستند. زنانشان را زیر ضربات مشت و لگد سیاه نمی کنند و... شاید زن زیادی اولین فیلمی است که در آن مرد مورد نقد مشروب می خورد و معشوقه دارد و در بقیه فیلمهای من مردها وزنها شبیه بقیه جامعه هستند که به نظر سالم وخوب می آیند، اما وقتی به زندگی ایشان نزدیک می شویم به عمق فاجعه پی می بریم.

من هنوز جوابم را نگرفته ام. چرا پس علت ازدواج احمد و سیما در فیلم مشخص نیست.

چرا احمد در انتهای قصه می گوید تا دست چپ و راست خود را شناختیم زمون دادند و...

اما تمام اینها را در صحنه آخر می شنوم. برای ارائه این اطلاعات صحنه آخر کمی دیر است؟

نه همانطور که قبلاً توضیح دادم من با دادن اطلاعات کمی از حقیقت چندبار تماشاچی را در معرض قضاوت قرار می دهم و در سکانس پایانی با تماشاچی با دانستن تمام حقیقت درمی یابد که مرتب در قضاوت اشتباه کرده است.

شخصیت های شما دائم فرصت می خواهند که صحبت کنند. این در فصل نهایی فیلم زن زیادی هم هست. ما در فیلم زن زیادی در منزل احمد و سیما به خوبی تصویر سرد زندگی آنها را درمی یابیم. پس یای این همه حرف زدن از کجا به فیلم باز شد.

با تحقیقاتی که بر روی خانواده های طبقات متوسط جامعه کرده ام متوجه شدم آدمها در خانه با هم دیالوگ ندارند و حرف نمی زنند و به دلیل همین عدم دیالوگ در مورد هم دچار سوءتفاهم می شوند. هر چقدر به طبقات پایین تر اجتماعی می رویم این آمار بیشتر می شود و درصد تحکم مرد و فرودستی زن افزایش می یابد. آدمهای جامعه ما تنها موقعی با هم حرف می زنند که دچار یک بحران سیاسی خانوادگی شوند، تازه آن وقت که یک دیالوگ منطقی با هم ندارند، بلکه با بیان آنچه در دلشان است می خواهند طرف مقابل خود را منکوب کنند.

عکس: رضا معطران

در بعضی از صحنه های فیلم احساسات شما به منطق فیلمسازی تان غلبه می کند. گفت وگوها از زبان سینما خارج می شود. ما با یک سری مانیفست رو برو هستیم. نمونه اش هم صحنه رستوران است. بحث از بستر داستان - قتل همسر رحیم توسط شوهرش آغاز اما با یک سری اظهار نظرهای کلی خاتمه می پذیرد.

می گویند حرف حرف می آورد. بله درست است بحث با قتل همسر رحیم آغاز می شود و به یک مشاجره اجتماعی بدل می شود. مثل واقعیت جامعه ما. من قصد داشتم از آن صحنه رستوران یک جامعه کوچک تصویر کنم که در آن همه نظر می دهند و البته کسی هم نظر آنها را جدی نمی گیرد. دقت کنید در زندگی روزمره آدمهای جامعه ما چقدر شعار زیاد است. به بچه هایمان دائماً تذکر می دهیم و آنها را برخلاف طبیعتشان باخودخواهی به جهتی اشتباه می کشانیم و هزاران هزار چیز دیگر.

پس در این میان تکلیف سینما چه می شود؟

سینما یعنی همین. سینما که قرار نیست یک تئوری جامد باشد. تعریف سینما از نظر من یعنی این. از نظر کارگردانان دیگر چیزی دیگر.

بحث من چیز دیگری است. اینجا فیلم از روال خود خارج می شود. سیما، احمد، صبا و رحیم متناسب با شخصیت خود از واژه ها در گفت وگو استفاده می کنند و دیالوگ می گویند. دیالوگهای احمد بویژه وقتی عصبانی است، فوق العاده است. خب نویسنده ای که می تواند درام بنویسد چرا باید مستقیم حرف بزند. این فصل روند کل فیلم را خدشه دار می کند..

من با شما موافق نیستم و این فصل را هم در ادامه ذهنیات خودم و بستر اجتماعی که شخصیت های اصلی قصه در آن زندگی می کنند چیده ام.

شما در فیلم به جزئیات توجه فراوان دارید که اوج آن فراری دادن رحیم توسط سیما است. اما جاهایی نکات عجیبی وجود دارد. مثل صحنه ای که احمد و سیما و صبا به آلاچیق رحیم می روند، صبح است و ناگهان نور تغییر می کند.

ساختن فیلمهای جاده ای آن هم در لوکیش های حقیقی و سرمای سخت زمستان، بسیار دشوار است. گاهی اگر ما یک سکانس را در همان روز تمام نکنیم ممکن است روزها و هفته ها با تغییر هوا نتوانیم آن را تمام کنیم. بنابراین نوع اتفاقات نه از عدم شناخت وآگاهی فیلمبردار که از درک درست شرایط کار است.

در همین صحنه احمد سراغ رحیم می رود. او در آلاچیق نیست. خب به لحاظ درام تعلیق ایجاد می شود، اما ناگهان سیما به آنجا رفته و یک کیسه پرتقال و بادگیر رحیم را با خود می آورد آیا یک کیسه پرتقال واقعاً توجیه مناسبی است که احمد همه چیز را باور کند؟

از نظر من بله. البته این فصل تنها برای ایجاد تعلیق نبود، وقتی ماشین احمد به کلبه نزدیک می شود در انتهای کادر دوبسرپچه روستایی در حال عبور از آنجا هستند، علت حضور رحیم عبور آنها وهمچنین نزدیک شدن یک ماشین است: اما در مورد کیسه پرتقال سیما می داند که این کیسه را خودش به آنجا آورده و با نبودن رحیم در کلبه به هر چیزی دست می زند تا به شوهرش ثابت کند، که او آنجا بوده است و چه چیزی بهتر از یک کیسه پرتقال و بادگیر رحیم!

البته شما از منزل سیما هم روی کیسه پرتقال تاکید داشتید. اما وقتی صحنه فراری دادن رحیم تا به این اندازه خوب درآمده ناگهان وجود کیسه پرتقال کمی کار را دچار ساده انگاری می کند.

به هر حال برای آنکه سیما به احمد ثابت کند که رحیم آنجا بوده است باید کاری می کردم و این ایده از همه ایده ها به نظرم بهتر بود.

پای مارگریت دوراس از کجا به زن زیادی باز شد؟ در تیتراژ فیلم اشاره ای به یکی از کتابهای او ده نیم شب در تابستان دارید.

فیلمنامه که تمام شد، فیلمنامه را به یکی از دوستان کارگردانم دادم تا بخواند، پیشنهاد خواندن این کتاب را او به من داد من هم استقبال کردم و با خواندن آن قصه را پربارتر کردم.

بهشتی و ماجرای نامه مشترک درباره شریعتی

ادامه از صفحه ۱۰

علیرضا بهشتی: مرحوم شهید بهشتی در مورد برخی از روشنفکران دینی اظهاراتی دارند. در مورد اقبال لاهوری من جایی ندیدم که مرحوم بهشتی سخن گفته باشند ولی در مورد مرحوم بازرگان چندبار اظهار نظر کرده اند. اولاً به پیشکسوت بودن بازرگان در عرصه فعالیت سیاسی مبتنی بر دین اقرار کرده اند و با عبارات ستایش آمیزی از نقش و تأثیرایشان سخن گفته اند. حتی زمانی که پس از انقلاب برخی اختلاف سلایق سیاسی پیش آمد هیچگاه سخن درشت در حق بازرگان نگفت. در مورد مرحوم شریعتی همیشه تعادل و انصاف را مراعات می کرد وضمن آنکه ایشان را در پاره ای موارد نقد می کرد اما از دایره انصاف و تعادل خارج نمی شد.

*** نقد ایشان بر شریعتی دقیقاً چه بود؟**

محمدرضا بهشتی: به طور کلی مرحوم بهشتی، شریعتی را فردی می داند دارای علقه های دینی و صاحب قریحه و ذوق وافر. مطلع به مسائل اجتماعی، آشنا به روحیات و خلقیات ایرانی، صاحب روحیه همکاری با جوانان. در عین حال به برخی دیدگاههای شریعتی چه در عرصه جامعه شناسی، چه در عرصه تاریخ اسلام و چه در عرصه مطالعات اسلام شناسی نقدهایی داشت.

*** آیا آقای بهشتی هیچ وقت شد که در برابر موج مخالفت ها علیه شریعتی سخنی به نفع ایشان بگویند؟**

محمدرضا بهشتی: حالا مسائل ریز و جزیی فراوان است اما باید به یک نکته تاریخی اشاره کنم و آن، مسأله نامه مشترک مرحوم بازرگان و مرحوم مطهری درباره شریعتی است ...

*** آقای بهشتی با آن نامه موافق بودند؟**

محمدرضا بهشتی: به هیچ وجه. حتی برای جمع آوری آن نامه توصیه کرد.

*** برخی گفته اند که مرحوم بازرگان در پس گرفتن امضای خود از پای آن نامه، از مرحوم بهشتی هم مشورت گرفته بودند.**

محمدرضا بهشتی: پیش از این مرحوم بهشتی با هر دو بزرگوار (بازرگان و مطهری) صحبت کرد و آنها را متقاعد کرد که این برخورد مناسبی با شریعتی نیست. مرحوم بازرگان زودتر متقاعد شدند و مرحوم مطهری هم مدتی دودل بودند اما بالاخره پذیرفتند.

*** یعنی بطور کل می توان نتیجه گرفت که مرحوم بهشتی، پروژه روشنفکری دینی را پیشاپیش باطل فرض نمی کردند و آن را رقیب تفکر دینی به شمار نمی آوردند؟**

علیرضا بهشتی: مرحوم آقای بهشتی به لحاظ آنکه روشنفکران دینی را طرفداران مکتب راهنمای عمل می دانستند و معتقد بودند روشنفکران دینی به حضور دین در عرصه عمومی عقیده دارند به طور کلی این جریان را نفی نمی کرد. اما در عین حال انتقاداتی هم به آنها داشت.

*** آن نقدها چه نقدهایی بود؟**

علیرضا بهشتی: مثلاً در مورد افراط در برداشت های تجربی و علم گرایانه از دین نقد داشتند. اما نکته مهم آن بود که مرحوم بهشتی همه این نگاه های روشنفکرانه را در مسیر تفکر دینی می دانست، نه مقابل تفکر دینی. ایشان جریان روشنفکری دینی را جریانی رو به رشد می دانست که البته افت وخیزهایی هم دارد و طبیعتاً ایرادتی هم دارد اما مهم آن است که برآیند کلی این جریان به نفع دین است.

*** سپاسگزاریم.**

آگهی فراخوان

شرکت سهامی آب منطقه ای آذربایجان غربی در نظر دارد، پروژه تجهیزات هیدرو مکانیکال سد مخزنی ساروق تکاب را با برآورد اولیه تقریبی ۱۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (سیزده میلیارد) ریال را به پیمانکاران واجد شرایط در رشته تجهیزات و تأسیسات واگذار نماید.

پیمانکاران واجد شرایط می توانند اسناد ارزیابی توان اجرای کار را از مهندسین مشاور آب و توسعه پایدار به نشانی تهران، خیابان طالقانی غربی، خیابان فریمان، کوچه دستنوش، شماره ۲۴، طبقه سوم، تلفن ۶۹۵۴۳۱۵-۰۴۱-۰۵۰۵ و ۹۹ دریافت نموده و حداکثر ظرف مدت ۱۴ روز پس از انتشار این فراخوان اسناد مذکور را تکمیل و در پاکت لاک و مهر شده به دفتر مهندسین مشاور تحویل نمایند.

شرکت سهامی آب منطقه ای آذربایجان غربی

آگهی دعوت به همکاری

شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی در نظر دارد عملیات طرح تله متری چاهها و مخازن تأمین و توزیع آب شهری به وسیله دستگاه های پیشرفته در شهرهای مختلف استان را به شرکتهای دارای توانایی فنی و ماشین آلات و تجهیزات پیشرفته مربوطه واگذار نماید.

لذا بدینوسیله از کلیه شرکتهایی که دارای مجوز مربوطه از مراجع ذیربط می باشند، دعوت می گردد که یک نسخه تصویر مصدق از کلیه اسناد و مدارک مربوط با موضوعات فوق الذکر را حداکثر تا ده روز پس از انتشار این آگهی به دفتر قراردادهای شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی تحویل نمایند تا متعاقباً از شرکتهای ارزیابی شده برای همکاری دعوت به عمل آید.

شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی

خلاصه آگهی مزایده شماره ۸۴/۲

ذوب آهن اصفهان درنظر دارد یک دستگاه رایانه Main Frame مازاد خود با مشخصات ذیل را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند.

مشخصات رایانه IBM ۲۳۹۰ و متعلقات مربوطه

ردیف	شرح دستگاه	کد دستگاه	تعداد
۱	دستگاه پردازشگر مرکزی 9 MPX Channel - Channel to channel adapter	۴۳۸۱	۱
۲	دستگاه سوئیچینگ سیستم	۳۸۱۴	۱
۳	دستگاه کنترل نوارخوان Tape Control Unit	۳۴۸۰	۱
۴	دستگاه نوار خوان	۳۴۸۰	۲
۵	دستگاه دیسک خوان	۳۳۵۰	۴۲
۶	دستگاه کنترل نوارخوان Tape Control Unit	۳۸۰۳	۱
۷	دستگاه نوارخوان مغناطیسی	۳۴۲۰	۴
۸	کنترلر پایانه های محلی [مدل D (۲)]	۳۲۷۴	۱
۹	کنترلر پایانه های محلی [مدل D (۱)]	۳۲۷۳	۳
۱۰	کنترلر پایانه های محلی [مدل C (۱)]	۳۲۷۳	۲
۱۱	دستگاه کیبرد سوئیچینگ	۳۶۰۴	۱
۱۲	کانسول سیستم	۳۴۰۵	۱
۱۳	کنترلر مخابراتی راه دور	۳۷۰۵	۱
۱۴	دستگاه کنترل پایانه	۳۲۷۶	۱۶
۱۵	ترمینال	۳۲۷۸	۷۰

متقاضیان می توانند برای خرید اسناد مزایده و هماهنگی بازدید از روز شنبه مورخه ۸۴/۴/۴ تا ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخه ۸۴/۴/۱۵ در ساعات اداری به روابط صنعتی حوزه خرید ذوب آهن اصفهان در محل کارخانه مراجعه نمایند. متقاضیان می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۰۳۳۵۲۵۷۳۹۲۸ تماس حاصل نمایند. ضمناً هزینه درج آگیهی به عهده برنده مزایده می باشد.

روابط عمومی شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

به نام خدا

آگهی مناقصه عمومی

به شماره (۳۴-۸۴/ش الف)

نوبت اول ۸۴/۴/۸
نوبت دوم ۸۴/۴/۱۱

شهرداری شیراز درنظر دارد، نسبت به خرید نرم افزار سیستم یکپارچه شهرسازی و پیاده سازی آن در مناطق هشتگانه شهرداری شیراز، از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از کلیه شرکتهای دارای رتبه از شورای عالی انفورماتیک دعوت به‌عمل می آید برای اخذ اسناد مناقصه از تاریخ ۸۴/۴/۱۱ تا ۸۴/۴/۱۶ به نشانی: شیراز، خیابان رودکی، ساختمان معاونت فنی و شهرسازی، طبقه سوم، اداره قراردادها، تلفن ۲۳۳۰۹۹۹-۰۷۱۱ یا تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان هشت بهشت، کوچه لعل، پلاک ۸، واحدهای نهم و دهم، دفتر نمایندگی شهرداری شیراز، تلفن: ۸۹۷۸۱۱۶-۸۹۶۸۲۷۲-۰۲۱، همراه ۰۹۱۲۱۲۷۳۶۳۹ مراجعه نمایید.

حداکثر زمان تحویل اسناد برای شرکت در مناقصه، پایان وقت اداری روز پنجشنبه مورخ ۸۴/۴/۱۶ می باشد.

بدیهی است هزینه آگهی به‌عهده برنده مناقصه خواهد بود و شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار می باشد.

روابط عمومی شهرداری شیراز

WWW.SHIRAZCITY.ORG

نیازمندیهای روزنامه ایران

ایران پیام

سفارش آگهی: ۸۷۴۸۸۰۱-۵

مرکز مطالعات بازرگانی و آگهی های روزنامه ایران

تهران ۷-۸۷۳۸۸۲۰ شهرستان ۴-۸۷۵۷۵۸۳